

صاح العجم یا تحفة العشاق

(ملخص مقاله)

هندوشاه بن سنجر (۱) صاحبی نخجوانی ملقب به فخرالدین (۲) در نیمه دوم قرن سیزدهم نیمه اول قرن ۱۴ میلادی میزیسته و در سال ۱۳۳۰ میلادی برابر ۷۳۰ هجری قمری وفات نموده است. وی یکی از دانشمندان معروف و مورخین مشهور و نویسندگان زبردست و ذواللسانین و از شعرای خوب ولی شناخته‌شده فارسی زبان قرن هفتم و هشتم است که پاره‌ای از آثارش در این ۲۵ سال اخیر در اتحاد جماهیر شوروی به سعی و اهتمام مرحوم آکادمیسین عبدالکریم علیزاده چاپ و نشر گردیده است.

شناخته‌ترین اثر این دانشمند گرانقدر چند بعدی کتاب "تجارب السلف" وی می باشد که بزبان فارسی و در تاریخ خلفای اسلام می باشد که بنام نصرت‌الدین احمد اتابیک لرستان در تاریخ سال ۷۲۴/۱۳۲۴ - ۱۳۲۳/ هجری قمری برشته تحریر در آورده است.

هندوشاه زبانهای ترکی، فارسی، عربی، و زبان پهلوی (فارسی میانه) را خوب میدانسته و آثار متعددی در این زبانها از خود بیادگار گذارده است که متأسفانه پاره‌ای از میراث ادبی این دانشمند گرانقدر ناشناخته مانده و در دسترس همگان قرار نگرفته است، از آنجمله است گنجینه گرانبهای فرهنگ "صاح العجم" یا "تحفة العشاق" هندوشاه که این فرهنگ بسیار غنی چند زبانه نه اینکه به زبور طبع آراسته نگردیده بلکه تا همین چند سال قبل موجودیت چنین اثری حتی برای بیشتر از دانشمندان و پژوهندگان متخصص نیز نا معلوم بوده و اکثراً این فرهنگ را بالغتنامه "صاح الفرس" محمد نخجوانی (۳) فرزند فخرالدین هندوشاه نخجوانی یک اثر تصور نموده اند. علت این امر نیز این بوده که تاکنون هیچکدام از پژوهشگران و دانشمندان محقق و متخصص از آن جمله مرحوم دکتر عبدالعلی طاعتی ناشر "صاح الفرس" (۴) نیز خود فرهنگ "صاح العجم" را ندیده و آن را خوب نشناخته و فقط با اتکاء به معلومات غیر دقیق و ذهنی دیگران در این باره مطالبی اظهار داشته است. بطور کلی کلیه کسانی که تاکنون نامی از این اثر برده‌اند و درباره این فرهنگ اظهار نظر نموده‌اند ملاحظاتیان ذهنی، نارسا و اکثراً مه‌آلود بوده است زیرا خود اثر را در دست نداشته‌اند و یگانه استنادگاه پاره‌ای از دانشمندان در باره‌ی موجودیت فرهنگ "صاح العجم" مندرجه‌ی لغتنامه بیلبوگرافیک کاتب چلبی دانشمند مشهور قرن ۱۷ میلادی عثمانی بوده است و الا خود اثر در اختیار هیچکدام از دانشمندان و پژوهشگران قرار نگرفته است.

گفتیم که نظر و ملاحظه‌ی اغلب دانشمندان درباره‌ی فرهنگ "صاح العجم" و "صاح الفرس" این‌پدروپسر دقیق‌نموده است. از آنجمله در مقدمه‌ی جلد پنجم "فرهنگ نظام" در این باره می‌خوانیم: "صاح الفرس فرهنگ شعری قابل‌فدراست و در اهمیت تالی لغت الفرس، اما حیف که نسخش کمیاب است و در بعضی نسخ بجای "صاح الفرس" که در نسخه‌ی من است "صاح العجم" نوشته شده است." مؤلف "فرهنگ نظام" علاوه بر اینکه از وجود چنین اثری بی‌خبر بوده حتی بر مؤلف کشف‌الظنون هم خرده گرفته و مینویسد: "وحاجی خلیفه هم در کشف‌الظنون نام آن را صاح العجم ضبط کرده است" و باین اعتراض ناوارد گویا خواسته است که بقول خودش اشتباه حاج خلیفه را تصحیح کرده باشد.

مرحوم داعی‌الاسلام نیز فرهنگ "صاح العجم" را با فرهنگ "صاح الفرس" یک اثر دانسته و از وجود فرهنگی گرانقدر بنام "صاح العجم" حتی اطلاعی نداشته است. وی در این باره مینویسد: "... اما پدرش (مقصود پدر محمد نخجوانی است غ. ب) مؤلف صاح الفرس هندوشاه بن سنجر بن عبدالله الصاحی الفیروانی مشهور است که کتاب تجارب السلف فارسی در تاریخ خلفا از او باقی مانده که بنام نصره‌الدین احمد تاتیکلرستان نوشته و تاریخ تالیف آن ۷۲۴ هجری قمری یعنی سه سال قبل از تالیف صاح الفرس است."

می‌بینید که داعی‌الاسلام نیز هندوشاه پدر مؤلف تجارب السلف را مؤلف صاح الفرس هم می‌پندارد. یعنی در تالیفات پدر و پسر اشتباه مینماید و پسر را جای پدر می‌گیرد و نامی از "صاح العجم" نبرده و از وجود چنین اثر مطلقاً بی‌خبر بوده است.

مرحوم اقبال نیز در جمله‌ی یادگار مقاله نوشته اند و همان اشتباهات بالا را تکرار نموده و دو لغتنامه‌ی صاح العجم و صاح الفرس را یک اثر تصور معرفی کرده‌اند (۵).....

از مقدمین یگانه کسی که در باره‌ی این دو فرهنگ و مؤلفینشان درست اظهار نظر نموده و بخصوص درباره‌ی صاح العجم دقیق معلومات میدهد همان حاج خلیفه صاحب کشف‌الظنون میباشد. وی در باره‌ی این فرهنگ چنین مینویسد: "صاح العجم لهندوشاه النخجوانی المتوفی سنة ۷۳۵ رتبه‌علی ترتیب الصاح العربی وهو مختصر ان قدیم وهو معروف بدیرینه مختصر و جدید قال فیہ لما رايت اکثر کتب المشایخ مدونه بلغة الفرس وکان اکثرها غیبیها غیر فارس فجمعت منها علی وجه لایخفی وسمیته به لکونه علی اسلوب صاح العربیة و للشیخ الامری الرومی القرشی" (۶).

از دانشمندان معاصر ایران شادروان علامه دهخدا از وجود آثار این پدر و پسر آگاهی کامل داشته و در اینخصوص چنین حکم میدهد: "لعوی بودن پدر سبب شد که پسر نیز گوئی در این میدان بزند و چون پدر صاح العجم را نوشته بود، او هم صاح الفرس را بنویسد."

خود هندوشاه محمد در مقدمه‌ی "صاح الفرس" ضمن اعلام اینکه اثر راهنگام اقامت خویش در تبریز تنظیم و تحریر نموده است، نام چند نفر از پیش‌کسوتان و دانشمندان سلف را که آثارشان مورد استفاده وی قرار گرفته ذکر مینماید و مینویسد: "این ضعیف بیرون آنکه به اثبات آن ابیات بر طریق استشهاد قیام نمود و لغات این کتاب را به تمثیلات رایق از اشعار شعراء فایق متاخر چون امیر معزی

و ادیب صابر و مسعود سعد و حکیم سوزنی و حکیم اوحدی و حکیم انوری و ظهیرالدین فارابی و افضل‌الدین خاقانی و شیخ نظامی گنجوی و کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی و اثیرالدین آخسیکتی و فریدالدین اخول اسفرائینی و مجدالدین همگر و شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی و شیخ فخرالدین عراقی و پدروخوش مرحوم مغفور فخرالدین هندوشاه و غیرایشان از فحول اکابر و فضلا و شعراء ماضی و معاصر رحم الله الماضین و اطال بقاء الغابریین . . . (۷) هم چنین نام چند لغت‌نامه و مؤلف‌شان را میسرود از قبیل لغت الفرس اسدی طوسی، التفاسیر قطران تبریزی، صحاح اللغة جوهری، صحاح العربی و فرهنگهای دیگر. لیکن از فرهنگ "صحاح العجم" پدرش فخرالدین نامی نمیبرد در صورتیکه در لغت‌نامه خود فراوان از اشعار آبدار پدر دانشمندش استفاده نموده و شواهد بسیاری در دستاثر کتابش ارائه داده است که ما هم برای نمونه و هم برای نمایش دادن قدرت طبع هندوشاه پدر چند بیتسی از این اشعار را در زیر میآوریم. اینهاست نمونه‌هایی از سروده‌های پدرش که خود محمدنخجوانی (پسر) در هرجا . . . پدرم گفت رحمة الله علیه " ذکر نموده و شاهد می‌آورد.

آیا : آيا بود آن روز که ناخوانده بیائی	چون آمده باشی نروی زود و بیایی
خارا : اگر خواهی برون آری ز سنگ خاره حیوانی	بسان ناقه صالح که بیرون آمد از خارا
دیبا : صحن بستان را ز بهر مقدم سلطان گل	همچو سقف آسمان پرفرش دیبا کرده اند
طفرا : اعدل افطار شرق و غرب کز القاب او	بر مناشیر امور عدل طفرا کرده اند
زیبا : نو عروسان چمن بر تختگاه باغ و راغ	جلوه بر نظارگان بنگر چه زیبا کرده اند
پیشوا : پیشوای دو جهان قافله سالار وجود	کاوست مقصود ز یاسین و مراد از طه
آشنا : آشنایان را ز خود بیگانه کردن نیک نیست	وین عجب بیگانگانرا آشنا کردی همه
مینا : بال مینو را توان ترجیح کردن بر چمن	بر زرمرد هیچ اگر ترجیح مینا کرده اند
نوا : نوا و راست و حسینی و راهوی و عراق	حجاز و زنگله و بو سلیک بسا عشاق
"	اسامی همه بهره هاست با اطلاق
همتا : گرنه احیاء ماتات نباتی میکند	باد را آب حیوان از چه همتا کرده اند
یغما : نرگس سرمست و زلف کافر او در جهان	هر که راجان و دلی دیدند یغما کرده اند
یلدا : در این شبهای یلدا کز فراهی دیده می‌بیند	چهاوس را ز میگوید تو میدانم که خوش صیدی (۸)

از ابیات زیرین بخوبی آشکار است که هندوشاه پدر علاوه بر اینکه دانشمند توانایی بوده هم چنین شاعر توانا و زبردستی نیز بوده است که از بقیه آثار منظوم او عجلالتا " معلومات دقیقی در دست نیست و در اختیار ما در حال حاضر تخمینا " همین سیصد و اندی بیت داخل در فرهنگ صحاح الفرس و چند بیتی نیز پراکنده در تجارب السلف و سایر آثار وی میباشد و باید در جستجوی آثار منظوم این شخصیت بزرگ تاریخی گردید و در اختیار همگان قرار داد.

مطلب دیگری که از دیباچهی فرهنگ صحاح الفرس استنباط میشود این است که، نوشته محمد نخجوانی پسر، مبین این حقیقت است که در آن روزگاران شهرت‌بریز و دیگر شهرهای آذربایجان آن دوران مرکز دانش و دانشمندان و دانش‌پژوهان معتبری بوده. بخصوص در دارالعلم تبریز دانشمندان

از قبیل هندوشاه پدر و پسر فراوان بوده‌اند که، می‌توانستند از عهده‌ی تالیف و تصنیف آثار علمی ذی‌قیمت برآیند و یا بر تالیف و تصنیف آنها نظارت نمایند. این‌است نوشته؛ محمدنخجوانی مؤلف صحاح‌الفرس: "چون به‌فضل باری‌تعالی عرشانه عزیز اثر به اتمام رسید مجموع آنرا بر نظر استادانی که در این علم صاحب قول و عمل بودند و بر کیفیت تراکم فرس و دقائق مصطلحات دری و پهلوی واقف، عرض کرده و به تجدید جهت تنقیح و تصحیح لغات منقول و مستخرج مبالغات به تقدیم رسانید... (۹) این‌سطور مبین آن است که در قرن هفتم و هشتم هجری قمری لغویون و زبان‌شناسان معتبر و متبحر در تبریز و اصولاً در شمال عرب‌کشور بوده‌اند که مرجع و استنادگاه دانشمندی چون هندوشاه بوده‌اند.

هندوشاه نخجوانی پسر هم‌چنین در دیباچه‌ی صحاح‌الفرس خود مینویسد: "... هم چنانکه "صحاح‌اللغة" مشتمل است بر توضیح لغات فبایل عرب، این کتاب مشتمل است بر توضیح لغات طوایف فرس... (۱۰)

فرقی که بین این دو لغتنامه موجود است بشرح زیر است:

۱ - نخستین و مهمترین فرق بین "صحاح‌العجم" و "صحاح‌الفرس" در نام، مضمون و فرم و سدرجه‌ی آنهاست. همان‌طوریکه "صحاح‌العربی" برای عرب زبانها و "صحاح‌الفرس" برای فارس زبانهاست، "صحاح‌العجم" برای عجم‌ها - غیر عرب‌هاست
 ۲ - اگر تعداد لغات "صحاح‌الفرس" چنانکه خود مؤلف در پایان دیباچه میگوید: "... مجموع کتاب مشتمل است بر بیست و پنج باب بر ترتیب حروفی که خواهد آمد و چهار صد و سی و یک فصل و دو - هزار و سیصد لغت میباشد". (۱۱) تعداد لغات "صحاح‌العجم"، اگر این احتمال درست درآید که نسخه‌ی غازان جلد دوم آن میباشد (۱۲) بالغ بر هفده هزار لغت و در غیر این‌صورت شش هزار لغت است.

۳ - فرهنگ "صحاح‌العجم" هندوشاه پدر، فارسی پهلوی به ترکی است و منثور است و حال آنکه لغتنامه‌ی "صحاح‌الفرس" هندوشاه پسر فارسی به فارسی و بیش از نود درصد متن آن باشعریا سخکونی شده است و فقط مقدار اندکی از مندرجات را که مؤلف شواهد شعری بدست نیاورده با نشر ایضاح نموده است.

۴ - مطلب مهم دیگری که به‌نظر ما کاملاً جدی است و قابل توجه است این‌است که لغتنامه‌ی "صحاح‌العجم" عبارت از دو جلد میباشد قدیم و جدید، نسخه‌ی قدیم را مختصر و نسخه‌ی جدید را مفصل نیز مینامند و در این‌خصوص در فهرست نسخ فارسی‌ریو نیز اشاره شده است (۱۳) لیکن "صحاح‌الفرس" فقط از یک جلد عبارت میباشد.

پس از روی مقایسات بالانتیحه میگیریم که برخلاف تصور نادرست پاره‌از دانشمندان لغتنامه‌های "صحاح‌العجم" و "صحاح‌الفرس" یک‌اثر نبوده و اثرهای مستقل و تماماً متمایز از یکدیگر میباشد. اما در باره، اینکه لغتنامه "صحاح‌العجم" عبارت از دو جلد است مختصراً ایضاحاتی داده

میشود. بلی در حقیقت این فرهنگ عبارت از دو جلد و دو کتاب جداگانه میباشد: کتاب مختصر و کتاب مفصل که متأسفانه تاکنون فقط نامی از آنها به عالم علم و ادب معلوم بوده و از خودشان خبری نبوده است. خوشبختانه مانسخره‌های منحصر به فرد و خطی قدیمی هر دو این لغتنامه را به ترتیبی که ذکر خواهیم نمود بدست آورده. و از آنها فوتو صورت برداشته و برای چاپ آماده مینمائیم. جریان پیدایش نسخه‌های خطی این فرهنگ‌ها:

یگانه نسخه خطی "صاح العجم" که در شهر براتیسلاوا نگاهداری میشود و تاکنون گم نام و فقط کم و بیش یادی از وی شده و نامی از آن بمیان می‌آید تا اینکه اثر در سال ۱۳۸۵ / ۱۹۶۶ - ۱۹۶۵ / هجری قمری از طرف دانشمند محقق فقید معاصر ما شادروان دکتر حسن زرین‌زاده تبریزی برای نخستین بار کشف و به عالم علم و ادب معرفی گردید. مرحوم پروفسور حسن زرین‌زاده با مقاله مؤجری در اینخصوص در روزنامه "باکی" (۱۴) معلومات لازم و مختصری دادند و دادن معلومات بیشتری را به بعد موکول نمودند و به تدفیق روی اثر پرداختند. لیکن متأسفانه مرگ ناہنگام بی‌امان زودرس به ایشان امکان نداد به وعده خود وفا نموده و پژوهش خویش را در این باره بپایان برساند و معلومات بیشتری بدهد و به گفته شاعر توانا وحشی بافقی:

سخن‌ها ماند بر لب نیم گفته شکسته متغیب و در نیم سفته

تا اینکه راقم این سطور دنبال تدقیقات استاد زرین‌زاده را گرفته تا سرانجام فوتو صورت جلد اول این فرهنگ را از شهر براتیسلاوا به دست آورد و کار ناتمام استاد را بپایان رساند.

جلد اول لغتنامه‌ی مصدری "صاح العجم" که تقریباً بیش از شش‌هزار لغت فارسی - پهلوی به ترکی دارد در اصل یک فرهنگ فارسی به ترکی مصدری ایضاحی است ولی مؤلف آن هندو شاه پدر هم در نگارش متن و هم در ترتیب و ایضاح لغات علاوه بر دوزبان اصلی (فارسی و ترکی) از زبان‌ها و لغات عربی و پهلوی نیز فراوان استفاده نموده و با آوردن متن و واژه‌های بسیاری از این دو زبان لغتنامه‌ی خود را غنی‌تر ساخته است.

فوتو صورت جلد اول این لغتنامه که در اختیار ماست عبارت از ۱۴۵ صفحه میباشد که، محتویاتش عبارت از دو اثر جداگانه است در یک جلد بدین ترتیب:

۱ - لغتنامه‌ی "صاح العجم" هندو شاه نجوانی پدر از ص ۱ تا ص ۱۳۴

۲ - عروض به زبان ترکی

لغتنامه‌ی "صاح العجم" مشتمل بر سه بخش است:

بخش یکم - لغات واسامی فارسی و تراجم و ایضاح مختصر آنها به زبان ترکی

بخش دوم - عبارتست از قواعد دستوری زبان فارسی که متن بزبان ترکی آمده است و نوشته و مثال‌ها به فارسی است. در این بخش تصریف افعال فارسی، تعیین انواع فعل در شکل و زمان‌های مختلف با ترجمه‌های آنها و ایضاحات دیگر.

بخش سوم - کتاب یازهم دستور زبان فارسی است که بزبان عربی نوشته است.

حاشیه

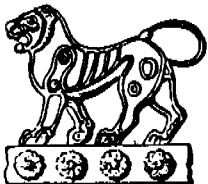
- ۱ - ما هندوشاه مؤلف "صاح العجم" راهندوشاه پدر و محمدنخجوانی مؤلف "صاح الفرس" را هندو شاه پسر ذکر مینمائیم. در ضمن هندوشاه پدر را هندوشاه بن سنجر بن عبداللہ الصاحنی القيروانی هم نوشته اند. ۲ - هندوشاه پسر معروف به "شمس منشی" میباشد. ۳ - محمد نخجوانی در سال ۶۸۷ / ۱۲۸۸ میلادی / هجری قمری در شهر نخجوان متولد گردیده و در سال ۷۲۸ / ۱۳۲۸ - ۱۳۲۷ میلادی / هجری قمری کتاب "دستورالکاتب فی تعیین المراتب" را در سن ۷۳ سالگی بنام سلطان اویس جلایری نوشته است. نامبرده کتاب لغتنامه "صاح الفرس" خود را در شهر تبریز برشته تحریر در آورده است.
- ۴ - صحاح الفرس. تألیف محمد بن هندوشاه نخجوانی به اهتمام دکتر عبدالعلی طاعتی تهران ۲۵۳۵.
- ۵ - مجله یادگار، شماره ۷، سال دوم، اسفند ماه ۱۳۲۴ صفحه ۷۸ - ۷۹. ۶ - حاج خلیفه کشف الظنون چاپ استانبول جلد ۲ / ۱۰۷۴ - ۷. صحاح الفرس تألیف محمد بن هندوشاه نخجوانی. با اهتمام عبد - العلی طاعتی، تهران ۲۵۳۵، دیباچه صفحه ۱۱. ۸ - همان کتاب، صفحات پراکنده. ۹ - همان کتاب دیباچه صفحه ۱۰. ۱۰ - همان کتاب. دیباچه صفحه ۱۰. ۱۱ - همان کتاب. دیباچه صفحه ۱۴
- ۱۲ - در این مورد مبسوطاً "ایضاح خواهیم داد. ۱۳ - فهرست نسخ فارسی ریو، جلد ۲، صفحه ۵۱۴ - ۱۴۰۵۱۵ - ماکو، روزنامه یومیه "باکی"،

دنباله دارد



ژرف نگارگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رئیس انجمن علوم انسانی

فرهنگستان ایران زمین



چاپ دوم از جلد اول تا بیستم

بناگاه کورادان
توقی دانش پژوه، دکتر هنر پرستار، مسکن مغربی
کتر عباس زیناب غنی، ایچ افشار

دوره جلد شده به بهای ۸۰۰۰ ریال از دفتر مجله آینده تهیه فرمائید